



۱۰ / ۱۲ / ۲۰۱۴



صالحه وهاب واصل

زن افغان

ای که تابنده تر از ماه درخشان شدی ای زن
قد بر افراشتی و گوهر و مرجان شدی ای زن
بشکستند نه بشگفته، ساخت چو بُن گل
کودکی بیش نبودى که زن خان شدى ای زن
تو که خود خالق مردى به جهان بعد خداوند
خَم شدى، بنده شدى، گوش به فرمان شدى ای زن
بَد گرفتند ترا در بَدل جُرم برادر
ز آتش ظلم و ستم سوختی بریان شدى ای زن
تا که زینده شود بسترِ شاهى ز وجودت
با زَر و زور روانده کاکان شدى ای زن
تو که با امر خدا دیده بدنيا بگشودى
زنده در گور، به امر و نهى مردان شدى ای زن
ای که از حسن و جمال تو جهان رنگ گرفتست
ز جر تیزاب به رُخ برده، چه داغان شدى ای زن

د پايو شميره: له ۱ تر ۲

تا رمق بود ترا، ذره ای بیشتر نشمردند
مُردی و نامور و شهرهٔ دوران شدی ای زن
هر قدر می نگرَم بوده یی در بند اسارت
روز ها با غم خود، دست و گریبان شدی ای زن
ای زن، ای خواهر و ای مادر و معشوق و مُعَلِم
عشق گشتی و به خون و رگ هر جان شدی ای زن
گریه می گیردم آخر که چرا در همه عمرت
بی نصیب از حق آزادیی انسان شدی ای زن
لذت عشق تو «واهب» بخرد در بَدَل جان
زانکه در سینهٔ او حسرت و ارمان شدی ای زن

۲۵- ۱۱-۲۰۰۸

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ